

مطالعه مردم شناسی استفاده از فضای مجازی در زندگی روزمره خانواده

(مطالعه موردی: محله سرو و کاج در منطقه دو تهران)

علی باصری^۱، سیمین درویش نوری کلاکی^۲

^۱ دانشیار گروه مردم شناسی و جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکتری گروه مردم شناسی و جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی،

تهران، ایران

نویسنده مسئول:

علی باصری

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۲۱-۱

چکیده

امروزه ارتباطات چهره به چهره سنتی در سطح وسیعی جای خود را به ارتباط در فضای مجازی، مثل ارتباط به واسطه رایانه یا به واسطه وسایل ارتباط از راه دور یا وسایل ارتباط جمعی داده است که این تغییر فضای ارتباطی، تجربه تعامل اجتماعی متفاوتی را وارد زندگی انسان کرده است. طبعاً تغییر و تحولاتی را در ساختار و محتوای خانواده ایرانی بوجود آورده است که در این تحقیق، به بررسی تاثیر فضای مجازی (تلگرام، واتس آپ) بر روابط میان اعضای خانواده و ارزیابی پیامدهای جامعه شناختی آن در منطقه دو تهران پرداختیم. چارچوب مفهومی این تحقیق، ترکیبی از نظریات امانوئل کاستلز و یورگن هابرماس، جهت تحلیل این تغییر و تحولات بوجود آمده در ساختار خانواده در بستر دنیای مجازی و اینترنت است. این تحقیق، کیفی است. روش انجام تحقیق با توجه به موضوع و اهداف مورد نظر تحقیق، نظریه زمینه ای است و گردآوری داده ها به صورت میدانی و با استفاده از مصاحبه های محقق ساخته، انجام شد و از لحاظ استفاده از نتایج، کاربردی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی اعضای جامعه آماری پژوهش، یعنی تمامی خانواده های ساکن در محله کاج و سرو در منطقه ۲ تهران در سال ۱۳۹۹ می باشد. روش نمونه گیری در این تحقیق به دلیل همه گیری ویروس کرونا، به صورت هدفمند انجام می شود. حجم نمونه با توجه به اشباع نظری، ۲۵ نفر انتخاب شدند که در این میان؛ ۱۳ نفر مرد و ۱۲ نفر زن هستند. تحلیل مفاهیم و مقولات عمده تحقیق، منجر به استخراج مقوله هسته ای تحت عنوان، دموکراتیک بودن شبکه های اجتماعی و محوریت یافتن آن در همه کنش های روزمره افراد در محیط خانواده منطقه ۲ تهران شد. نتایج تحقیق نشان می دهد که فضای مجازی (تلگرام و واتس آپ) بر روابط میان اعضای خانواده و نیز بر شکل گیری حوزه های عمومی در خانواده، شکستن الگوی خانوادگی پدرسالاری و نیز بر دموکراتیک شدن روابط خانوادگی تاثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی- روابط خانوادگی- حوزه عمومی - الگوهای پدرسالارانه- دموکراتیک شدن.

مقدمه

خانواده^۱، پایه بنیادین جامعه، سلول سازنده زندگی انسان، کانون اصلی حفظ سنت ها، هنجارها و ارزش های اجتماعی و محل بروز عواطف انسانی و پرورش اجتماعی است. خانواده، واحدی است که بر اساس ازدواج شکل می گیرد و از آغاز پیدایش خود، همچون حریمی امن زندگی انسان را در بر گرفته است. انسان در خانواده فرآیند جامعه پذیری را که مجموعه ای از باید ها و نبایدها و چگونگی روابط با دیگران است می آموزد (ذکایی و حسینی، ۱۳۹۴: ۴۵). هویت خانواده در فرهنگ دینی برخلاف آن چه در تبلیغات، آموزش ها و سنت های حاکم معمول است، هویتی بر اساس عشق، ایمان و نیاز های انسان، در عین قانونمندی، حق باوری، لطف پروری و شایسته محوری است و تمایلات فردی در آن جای خود را به انعطاف و تمکین در برابر قانون الهی^۲ می دهد. خانواده، نخستین و مهم ترین نهاد تربیت آد می است. آغازی برای صعود به قله های انسانیت و پیمودن پله های تعالی است و فضایی که در آن ارزش های اخلاقی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و اسباب رشد و تعالی انسان به وجود می آید. خانواده به عنوان کوچک ترین نهاد اجتماعی، آسیب پذیرترین گروه در برابر آسیب های اجتماعی است؛ به طوری که اکثر مشکلات و آسیب ها ابتدا در خانواده ها بروز پیدا می کند و در صورت عدم پیشگیری و برخورد ناصحیح با آن ها، به درون جامعه نیز رسوخ کرده و در این شرایط دشوار دیگر نمی توان به راحتی مشکلات و آسیب ها را کنترل کرد (عبدالهیان و یحیایی، ۱۳۹۰: ۱۵).

دنیای امروز با تغییرات مستمر پیش می رود و اگر یک لحظه بایستید و نگاهی به اطراف خود بیندازید، متوجه خواهید شد تمام اتفاقات مرتبط با زندگی روزمره شما نسبت به یک دهه قبل تغییر اساسی کرده است. این روز ها در بیشتر خانواده ها اینترنت در قالب یک ابزار روزمره و کاربردی مورد استفاده قرار می گیرد و بدون توجه مردم، توانسته روی روابط خصوصی آن ها هم تاثیرگذار باشد. از ویژگی های مهم اینترنت می توان به دسترسی آسان، کم هزینه بودن و تابع زمان و مکان نبودن فضای مجازی اشاره کرد که باعث گسترش روزافزون استفاده از این بستر شده است (هوگان؛ هوسه به نقل از حسین پور و عرب مومنی، ۱۳۹۶: ۳۵). از مهم ترین تاثیرات اینترنت در زندگی روزمره مردم می توان به تغییر در نحوه برقراری ارتباط اشاره کرد. البته این تغییرات تا اندازه زیادی مثبت بوده است و برای مثال باعث شده اعضای یک خانواده که فرزندشان در کشور دیگری زندگی می کنند به راحتی بتوانند با او ارتباط برقرار کنند و حتی تصویر او را در آن واحد ببینند. اما در بخش دیگر همین روابط اینترنتی و ابزار های مرتبط مشکلاتی را هم به همراه داشته و برخی تاثیرات منفی ناشی از حضور در همین ابزار های اجتماعی آنلاین روی خانواده ها باقی مانده است. در عین حال باید اعتراف کرد که برقراری ارتباط سریع و ایمن با کسی که در نقطه دیگری از کره زمین قرار گرفته است بسیار مفید محسوب می شود و حتی آن را می توان یکی از بزرگ ترین مزایای اینترنت دانست. اما در شرایطی که اعضای خانواده در کنار یکدیگر قرار دارند؛ بخش اعظم زندگی آن ها به گشت وگذار اینترنتی اختصاص می یابد تا زمان اندکی برای گفت وگویی حضوری باقی بماند، این مسئله می تواند اندکی نگران کننده باشد (نصیری اقدم، ۱۳۹۴).

جامعه شناسان بر این باورند که ارتباطات مبتنی بر شبکه های اجتماعی بیشترین تاثیر خود را در روابط خانگی برجا می گذارند. دلیل اصلی تاثیرات مذکور این است که اعضای یک خانواده ترجیح می دهند، اتفاقات مهمی را که در طول روز برای آن ها صورت می گیرد روی شبکه های رسانه ای و فضا های اجتماعی به اشتراک بگذارند و اتفاقات شخصی زندگی خود را عمومی کنند. در واقع شبکه های اجتماعی^۳، شبکه ای متشکل از افراد، گروه ها و ارتباطات بین آن هاست (میلنر، ۲۰۰۸: ۷۹). وسعت و فراگیری این شبکه ها به حدی است که حتی دیده شده والدین روی صفحات اجتماعی متوجه شدند که فرزندشان باردار هستند یا نامی را برای نوزادش در نظر گرفته است. اگرچه این مثال ها در ظاهر چندان هم بد به نظر نمی رسد، اما واقعیت این است که تک تک اتفاقات مذکور می تواند روابط میان اعضای خانواده را تخریب کند و در نهایت سردی میان آن ها را موجب شود. اینترنت در بسیاری از مواقع موجب شده تصور کنیم که ارتباطات بیشتر و گسترده تری با اطرافیان خود داریم. اما منتقدان به این نتیجه رسیده اند که افزایش کمی ارتباطات که به واسطه اینترنت و شبکه های اجتماعی صورت گرفته، از کیفیت ارتباطات انسانی کاسته است و این مسئله طی چند سال آینده می تواند به یک نگرانی جدی تبدیل شود. فرزندان این روز ها ترجیح می دهند صحبت تلفنی کوتاه تری با والدین خود داشته باشند و حتی اگر پدر یا مادرشان در سایتی مانند فیس بوک^۴ عضویت نداشته باشند، با فرا رسیدن اتفاقات مختلف مانند روز مادر یا تولد پدر، در صفحه اجتماعی خود به آن ها تبریک می گویند و به عبارت دیگر اتفاقی مانند تولد اعضای خانواده را بدون حضور آن ها، با دوستان اجتماعی خود به اشتراک می گذارند.

گسترش فضا های مجازی^۵ مانند سایر انواع دیگر تحولات و پیشرفت ها، پیامد ها و آثار مثبت و منفی گوناگونی را در جامعه و زندگی کاربران این گونه فضا ها ایجاد کرده است. مثبت ترین پیامد آن را می توان تسهیل و تسریع ارتباطات و تبادل اطلاعات دانست. منفی ترین

1 Family

2 Divine law

3 Social networks

4 Facebook

5 Virtual spaces

پيامد آن را می توان به خطر افتادن حریم خصوصی^۱ افراد، منزوی شدن آن ها و از هم پاشیدگی بنیان خانواده معرفی نمود (کیان پور و عدلی پور و کیخایی، ۱۳۹۲: ۱۴).

منطقه سعادت آباد، یکی از شهرک های جدید و با ساختار و بافت اجتماعی و فرهنگی مدرنی است که به لحاظ ترکیب طبقاتی و شغلی، می توان آن را یکی مناطق متوسط به بالا در نظر گرفت که مناسبات اجتماعی آن معمولا با فاصله اجتماعی بهتر تعریف می شود. روابط اجتماعی در این منطقه، مدرن و در قیاس با دیگر مناطق تهران از پویایی و گمنامی بیشتری برخوردار است.

در این پژوهش ضمن اذعان به اهمیت نهاد خانواده در فرهنگ دینی و عرفی کشور ایران و کلیشه مرسوم و تکراری مورد تهدید قرار گرفتن هویت اصیل آن از سوی شبکه های اجتماعی مجازی، به شناخت رابطه بین فضای تعاملی، محیط صمیمی و احساس رضایت، محتوا و تولیدات شبکه های اجتماعی مجازی و روابط خانواده در منطقه دو تهران و در دو منطقه سرو و کاج می پردازیم و تلاش می کنیم با اتخاذ رویکردی مردم شناسانه و نیز ورود به متن تحولات خانواده با نگاهی واقع بینانه و نه کلیشه ای تغییرات امروزی نهاد و ساختار خانواده در این منطقه را به صورت مصاحبه با افرادی که مورد مطالعه قرار می گیرند، بررسی کنیم.

لذا؛ سوال این تحقیق این است که فضای مجازی مثل تلگرام و واتس آپ چگونه می توانند بر روابط خانوادگی و نیز ساختار خانواده در منطقه دو تهران و در دو محله آن یعنی سرو و کاج در بطن زندگی روزمره تاثیر بگذارد و روند این تحولات به چه سمت و سویی می باشد؟

مبانی نظری پژوهش

فضای مجازی

فضای مجازی از آنجا که حاصل تکنولوژی شبکه جهانی اینترنت است به خودی خود از ویژگی های جذاب و مهمی برخوردار است که مهمترین آنها شاید عبور کاربران از سدهای محکم زمان و مکان و شکسته شدن مرزهای جغرافیایی باشد. به این دو قابلیت مهم می توان امکانات گسترده فضای مجازی در توسعه و بسط روابط سیاسی، آموزش و ارتباطات فردی را در کنار سرعت بالا افزود اما سوای اینها فضای مجازی در سایه امکان برقراری نوع دیگری از زیستن یا «زندگی دوم» توأم با جذابیت های خاصی است. این جذابیت ها روز به روز گسترده تر می شوند و هر روز بیش از پیش افراد جدیدی تمایل به حضور در سایت های مجازی می کنند. البته در کنار این موضوعات، دولت ها هم تمایل به حضور در فضای سایبری برای پیشبرد اهداف داخلی و خارجی خود نشان داده اند.

وقتی صحبت از فضای مجازی به میان می آید مردم اغلب به کامپیوتری فکر می کنند و اینکه به اینترنت متصل است در حالیکه این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می دهد. از نگاه دیوید بل (۲۰۰۱)، فضای مجازی فقط مجموعه ای از سخت افزار نیست، بلکه مجموعه ای از تعاریف نمادین^۲ است که شبکه ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بیت رد و بدل می کنند.

شبکه های اجتماعی مجازی

در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می شود که یک مجموعه ای از نهادهای اجتماعی که شامل مردم و سازمان ها که به وسیله ای از روابط معنی دار اجتماعی به هم متصل اند و باهم در به اشتراک گذاشتن ارزش ها و تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی ها و روابط چهره به چهره^۳ متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین^۴ و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است. شبکه های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه هایی هستند که امکانی فراهم می آورد تا کاربران بتوانند علاقه مندی ها، افکار و فعالیت های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت ها را با آنان سهیم شوند.

شبکه اجتماعی اینترنتی به زبان ساده، صفحات اینترنتی هستند که افراد با عضویت در آنها می توانند دوست یابی کنند، به بحث و تبادل نظر بپردازند، تصاویر و فیلم هایی را که دوست دارند به اشتراک بگذارند و این فرصت را می یابند تا درباره علاقمندی ها و مطالب دیگران اظهار نظر کنند و خودشان نیز مطالبی را مطابق باسلیقه و نظر خود منتشر کنند و حتی در دنیای مجازی این شبکه ها، تصویر خیالی از خود ارائه کنند. آنچه در حال حاضر وجود شبکه های اجتماعی را پراهمیت و تاثیر آنها را پررنگ جلوه می دهد اقبال عمومی کاربران اینترنت به این شبکه ها می باشد. به طوری که روزانه میلیون ها نفر در دنیا با عضویت در این شبکه ها، ساعت های متمادی از عمرشان را صرف گشت و گذار در شبکه های اجتماعی می کنند (بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۱: ۱۵). از این رو، شبکه های اجتماعی اینترنتی، نسل جدیدی از ابزارهای اینترنتی هستند که امکانات بیشتری را برای روابط متقابل، مذاکره، گفت و گو به طور کلی ارتباط دو سویه فراهم آورده است.

1 Privacy

2 Symbolic definitions

3 Face to face relationships

4 Online virtual community

به گونه ای که مفهوم وب ۲ ناظر به شکل گیری شبکه های اجتماعی اینترنتی و اینترنت محاوره ای است که امکان برقراری ارتباطات چند سویه میان کاربران شبکه جهانی اینترنت را فراهم کرده است. شبکه های اجتماعی اینترنتی علاوه بر اینکه مرجع تأمین بسیاری از نیازهای فرهنگی و اجتماعی اعضای خود هستند، این امکان را برای اعضا فراهم می کنند که هم زمان، سایر فعالیت های اجتماعی را در این جوامع مجازی پیگیری کنند. شبکه های اجتماعی، خدمات آنلاینی هستند که به افراد اجازه می دهند در یک سیستم مشخص پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، از این طریق می توانند ارتباط شان را با دیگران حفظ کنند و همچنین ارتباط های اجتماعی جدیدی را شکل دهند. در واقع شبکه های اجتماعی اینترنتی برای افزایش و تقویت تعامل های اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده اند. به طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می گیرد، مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق، برقراری ارتباط تسهیل می شود. کاربران می توانند پروفایل^۱ های دیگران را ببینند و از طریق برنامه های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

شبکه های اجتماعی زیرمجموعه رسانه های اجتماعی به شمار می روند؛ که حاصل تحولات در فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی به ویژه ظهور و گسترش وب ۲ به عنوان فناوری ای است که قابلیت و امکان فعالیت و مشارکت کاربر در فرایند تولید محتوا و به اشتراک گذاری اطلاعات را فراهم آورده است.

همانند سایر پدیده های نوظهور، در مورد شبکه های اجتماعی مجازی نیز تعریف جامعی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. آنچه مورد توافق است امکان برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری محتوا در اینگونه شبکه ها از طریق تشکیل یک پروفایل و مرتبط نمودن آن با دیگران به منظور ساختن یک شبکه تخصصی است. شبکه های اجتماعی مجازی گونه ای از الگوهای تماس هستند که در آنها تعامل و ارتباطات بین عوامل شبکه ای توسط یک پایگاه فنی و زیرساخت اینترنتی مورد پشتیبانی قرار می گیرد. در این شبکه ها هدف، علاقه یا نیاز مشترک می تواند عنصری پیونددهنده باشد که باعث می شود تا عوامل مرتبط حتی بدون حضور فیزیکی احساس کنند که در یک اجتماع و جمع حقیقی قرار گرفته اند (هایدمان، ۲۰۱۰: ۱۴۵).

در تعریفی دیگر، شبکه های اجتماعی مجازی (سایت های شبکه اجتماعی) سرویس های تحت وبی هستند که به کاربرانشان اجازه می دهند صفحات (پروفایل های) شخصی ای که به صورت عمومی یا نیمه عمومی قابل مشاهده باشند، بسازند. کاربران همچنین می توانند فهرستی از دیگر کاربران عضو شبکه را مشاهده کنند؛ که البته این خصوصیات ممکن است در میان شبکه های مختلف متفاوت از یکدیگر باشد. شبکه های اجتماعی مجازی با ارائه امکانات گسترده ای که در اختیار کاربران قرار می دهند، باعث می شوند که افراد بتوانند ویژگی های فردی مانند روحیات و علایق خود را برای دیگران به نمایش بگذارند. اکثر این شبکه ها افراد را تشویق می کنند که تصویر خود را نیز در کنار فهرستی از علایق و سرگرمی ها در صفحاتشان نمایش دهند. بعضی از این شبکه ها مانند سایت فیسبوک افزونه هایی ارائه می دهند که کاربران می توانند با استفاده از آنها صفحات شخصی خود را در جهت هر چه بهتر معرفی کردن خود بازسازی کنند (هایم، ۱۳۹۰: ۸۹). به بیانی ساده و مختصر اینگونه شبکه ها را چنین تعریف کرده اند: جامعه آنلاینی که کاربران آن، مجاز به اشتراک گذاری اطلاعات، تصاویر، فیلم ها، نرم افزارها و ... برقراری ارتباط با دیگران و کشف نشانی ارتباط افراد جدید هستند. چنین شبکه های اجتماعی مجازی را می توان چکیده وب ۲ برشمرد که در آن، اعضا با مشارکت و همفکری و با استفاده از برنامه ها به ساختن محتوی وب می پردازند. همچنین بیشتر شبکه های اجتماعی راه های گوناگونی مانند: ایمیل، چت روم، اشتراک گذاری تصاویر، موسیقی و فیلم برای تعامل کاربران فراهم می کنند؛ به عبارت دیگر، در این دست از شبکه ها، عناصر ارتباطی با وسایل رسانه ای شنیداری، دیداری و نوشتاری باهم به صورت ترکیبی در یک جا وجود دارند.

سایت های شبکه های اجتماعی به گونه ای طراحی شده اند که امکان تعامل و ارتباط را در قالب اجتماعی و به صورت شبکه ای برای کاربران شان فراهم آورند. پایه تعامل در این شبکه ها صفحات شخصی است؛ که با توجه به علاقه، نیاز و عقیده کاربر ویرایش و شخصی سازی و بروزرسانی می شود. کاربران اینترنتی از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی می توانند پروفایل ها و صفحات شخصی برای خودشان بسازند و با دوستان شان در ارتباط باشند. کاربران می توانند دوستان خارج از این فضا را برای پیوستن به شبکه های اجتماعی دعوت کنند.

خانواده به علت نقش بنیادین و ابتداییش در زندگی بشر از ابتدا مورد توجه بسیاری از متفکرین قرار داشت به همین علت هم حضور نظریات خانواده از اولین جامعه شناسان قابل مشاهده است، لذا در این بخش مروری بر نظریات مطرح شده در زمینه خانواده خواهیم داشت. جرج زیمل^۲

از دیدگاه زیمل، ازدواج نتیجه تغییر نامنظم و تصادفی بین زن و مرد است که برای ایجاد هنجارهای محدود کننده وضع شده است. چندین دهه قبل کشف شد که مادر و نه پدر بعنوان محور اصلی خانواده در جوامع ابتدایی بود و بچه اغلب به طایفه مادری تعلق می گرفت شاید

دلیل اصلی آن روابط نامشروع و نامشخص بودن پدر بود. در میان جوامع ناشناخته جهان آزادی بی قید در جوامع یافت نشده است و اگر هم دیده می شود نباید آنرا یک مرحله معتبر دانست، دلیل اینکه چند همسری می تواند وجود داشته باشد این است که همیشه به تعداد مردان زنان نیز وجود داشتند، چند شوهری نیز فقط در شرایط خاص اتفاق می افتاد چون ازدواج کار پر زحمت و مشکلی بود که چند مرد مشترکا با هم انجام می دادند، وجود اشکال مختلف ازدواج هیچ یک شکل واحد جهانی حاکم را نشان نمی دهد از دیدگاه زیمل تکامل ازدواج از اشکال چند همسری به سوی تک همسری است. زیمل دیگر روابط ازدواج را بعنوان اشکال واسطه قلمداد کرد در حالی که گزینه تک همسری بر سایر روابط غلبه دارد. در این جوامع فرزند به مادر متعلق بود و پدرش کسی بود که مادرش در آن لحظه به او متعلق بود بعد تک همسری شکل رایج ازدواج را به خود گرفت که در نتیجه شکل غالب بود که از شرایط اقتصادی و اجتماعی سرچشمه می گرفت. از نظر او ریشه تاریخی ازدواج بچه دار شدن است و هدفش ادامه نسل و بقا می باشد. بر اساس مطالعات او زن در ابتدا بعنوان یک برده نگرسته می شد که مرد با آرزوی تجهیز شدن به نیروی کار رغبت به ازدواج با او را داشت، ولی در مرحله بعد از ازدواج این بچه دار شدن است که اهمیت میابد، در واقع بعد از ازدواج در واقع مالکیت به چیزی موجب عشق ورزیدن به آن می شود (توسلی، ۱۳۸۶: ۸۹).

ماکس هورکهایمر^۱

ماکس هورکهایمر، یکی از اعضای مکتب فرانکفورت است که تحقیقات عمده ای در زمینه اقتدار و خانواده انجام داده است. هورکهایمر معتقد است که اقتدار مقوله مرکزی تاریخ است. او باور دارد که از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار آماده می سازد خانواده در مقام اول قرار دارد. زیرا خانواده به عنوان یکی از مهمترین قدرت های تربیتی از باز تولید و شخصیت انسان ها مراقبت می کند و این عمل را همانگونه انجام می دهد که زندگی اجتماعی آن را در خواست می کند. افراد از طریق خانواده، قابلیت قبول رفتارهای اقتداری که موجودیت جامعه بورژوازی به آن وابسته است را کسب می کنند. از طرف دیگر، او معتقد است که خانواده گذشته از آن که روابط اقتداری^۲ را به فرد می آموزد، تنها مکانی است که افراد آن، مشکلات خود را به راحتی بیان می کنند مکانی که روابط افراد براساس قوانین بازار تنظیم گشته و افراد یکدیگر را به عنوان رقیب در نظر نمی گیرند او در مقاله مشهور خود اقتدار و خانواده در دوران معاصر اشاره می کند که هرچند در دوران قبل، پدر خانواده به علت مالکیت بر اموال خانواده دارای قدرت بود، اما در اثر دگرگونی های اقتصادی جامعه و از میان رفتن واحد تولیدی خانواده، به پدری حقوق بگیر و وابسته به کارفرما تبدیل شده است. در نتیجه فرزندان بالاخص پسران در سنین نوجوانی متوجه خواهند شد پدر مقنن خانواده در جامعه خود فردی فرمانبردار است. اما از آنجا که نوجوان به وجود اقتدار انس گرفته است، در جامعه افراد مقتدر را جست و جو می کند، کودک از طریق خانواده اطاعت و سر فرود آوردن در برابر اقتدار را فرا می گیرد (مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

تالکوت پارسونز^۳

نگرش کارکردگرایانه^۴ نسبت به «خانواده» را، پارسونز بسط بیشتری دارد. پارسونز کارکرد اصلی «خانواده» را اجتماعی کردن بچه ها و حفظ شخصیت بزرگسالان می دانست. پارسونز از میان کارکردهای خانواده، دو کارکرد را از همه مهم تر می دانست، یکی کارکرد جامعه پذیری و دیگری نقشی که خانواده در تثبیت شخصیت بزرگسالان دارد، زیرا از نظر او، فرایند توسعه صنعتی به بروز انشقاق در خانواده منجر شده است و در نتیجه تمام عملکردهای اقتصادی و آموزشی خانواده بین خانواده و دیگر نهادها تقسیم شده است (ریترز، ۱۳۸۷: ۲۸۹). تنها کارکرد مهمی که باقی مانده، فراهم آوردن عوامل جامعه پذیری کودکان و بالاتر از همه، شرایط کسب تعادل روانی برای بزرگسالان است. این نقش مهم که پارسونز با بهره گیری از اصول روانکاوی، آن را یکی از دو کارکرد اساسی خانواده در جامعه صنعتی می دانست. در واقع، جنبه مهمی از کارکرد عاطفه و همراهی است. در نظر پارسونز، تثبیت شخصیت بزرگسالان اشاره دارد به نقشی که خانواده در مواجهه با فشارهای روان شناختی زندگی روزمره ایفا می کند، فشارهایی که بالقوه می توانند شخصیت بزرگسالان را بی ثبات کند. تثبیت شخصیت از حمایت عاطفی متقابلی که زوج ازدواج کرده به یکدیگر عرضه می کنند و نیز از نقش پدر و مادری ناشی می شود. در خلال فرایند تثبیت شخصیت، والدین می توانند از راه بازی با فرزندان خود، به دوران کودکی باز گردند و به این ترتیب، تنش را رفع نمایند.

پارسونز در مقاله ای با نام «ساختار اجتماعی خانواده»^۵ عقاید خود را در مورد خانواده نوین بیان کرد. او خانواده هسته ای را به عنوان خانواده مطرح می کند و معتقد است که می توان پسوند هسته ای را به کنار گذاشت و تمام روابط خارج از خانواده را نیز تحت عنوان خویشاوندی مطرح کرد. او خانواده را به دو نوع تقسیم می کند.

۱- به خانواده ای که فرد در آن رشد می کند را خانواده جهت یاب می نامد.

1- Max Horkheimer

2 Authoritarian relations

3 - Talcott Parsons

4 Functionalist attitude

5 The social structure of the family

۲- خانواده‌های که فرد خود تشکیل می دهد و شامل همسر و فرزندان ، را خانواده فرزند یاب می نامد. در توضیح و تشریح عقاید پارسونز باید اشاره کرد که عقاید پارسونز در مورد خانواده آمریکایی که منطبق با نظریات عمومی جامعه شناسی او بود، چند دهه بر جامعه شناسی حاکم بود. به اعتقاد پارسونز در جوامع صنعتی پیشرفته، خانواده تقریباً تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و تبدیل به خانواده منزوی شده است، در عین حال سایر کارکردهای خانواده به سایر نهادها و سازمانهای دیگر اجتماعی واگذار گشته است. اما از آنجا که ضرورت وجود خانواده کار کردی را در خواست می کند، پارسونز به اهمیت کارکرد اجتماعی کردن کودکان و حفظ تعادل و استحکام شخصیت بزرگسالان تاکید می کند.

خانواده مورد نظر او خانواده هسته ای^۱، نومکان و معمولاً به دور از مکان زندگی خانواده های جهت یاب زن و شوهر است و از لحاظ برخورد و رابطه اجتماعی با سایر خویشاوندان، منزوی است، البته زوج جوان به دیدار دیگر خویشاوندان خود می رود، اما از دید پارسونز این روابط بیشتر جنبه تشریفاتی و رسمی دارند. از لحاظ اقتصادی نیز زوج جوان به دیگر خویشاوندان وابسته نیست، مورد حمایت و پشتیبانی خویشاوندان قرار نمی گیرد و به عبارتی از نظر اقتصادی مستقل است^۲ پایگاه اجتماعی^۳ این خانواده نیز بدون توجه به تیار خانوادگی، فقط از طریق پایگاه شغلی^۴ مرد تعیین می شود.

نظر پارسونز در مورد خرده نظام اجتماعی^۵ خانواده این است که شرایط دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته ای وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضا گروه کوچک خانواده است. اولین شرط عبارتست از وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان و دومین شرط عبارتست از وجود اختلاف در میان نقش های ابزاری و نقش های بیانگر. تنها با وجود تقسیم نقش براساس جنس و همچنین تقسیم نقش براساس نقش هایی که جنبه ابزاری و نقش هایی که جنبه بیانگر دارند، امکان بقا و همبستگی^۶ خانواده بوجود می آید. در این تقسیم نقش حدود وظایف هریک از والدین مشخص شده تا از اغتشاش نقش ها و از ایجاد یک وضعیت رقابتی در خانواده جلوگیری نماید .

امانوئل کاستلز

خط محوری تحلیل کاستلز^۷ این است که از دهه ی ۱۹۷۰ پارادایم تازه ای در تکنولوژی و در سامان جامعه شکل گرفته است. شکل گیری و تکامل این تکنولوژی با عوامل چندی مرتبط بوده است که از جمله نقش بازارها و برنامه های نظامی در پا گرفتن صنعت الکترونیک در یک سو و فرهنگ نوآوری، آزادی و پویایی در فعالیت های اقتصادی و دانشگاهی در سوی دیگر قرار دارد.

تکنولوژی تازه ای بر محور تکنولوژی های اطلاعاتی^۸ شکل گرفته است که امکان داده است تا خود اطلاعات به محصول فرایند تولید تبدیل شود. با تغییر فرایندهای پردازش اطلاعات، اکنون تکنولوژی های جدید اطلاعات، همه گستره های فعالیت انسانی را تحت تاثیر قرار داده است و امکان برقراری رابطه ای پایان ناپذیری را میان پهنه های مختلف و همچنین بین اجزا و کارگزاران فعالیت های متکثر فراهم آورده است.

مرکزیت ارتباطات مدرن در فرهنگ معاصر، به عقیده ی کاستلز منجر به فرهنگ « مجازی بودن واقعی^۹ » می گردد. به عقیده ی وی فرهنگ توده ای، تحت الشعاع محیط رسانه ای قرار گرفته است که در آن پیامها صراحتاً به صورت زبان هایی نمادین در می آیند که برای مخاطبان مورد نظر مناسبند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۷۶).

به اعتقاد کاستلز (۱۳۹۵)، اگرچه فناوری اطلاعات، ارتباطات جمعی نظیر تلویزیون، روزنامه و رادیو را متحول ساخته و حتی الگویی جدید از ارتباطات میان فردی را به کمک بستر اینترنت فراهم آورده است، اما نقطه اوج تأثیر فناوری اطلاعات را باید ایجاد ارتباطات جمعی خودانگیز دانست. ارتباط جمعی خودانگیز در بستر اینترنت به وقوع می پیوندد و به موجب آن فرد خود به تولید پیام و ارسال گسترده آن مبادرت می کند و به این سبب شکلی جدید از ارتباطات ظهور می کند که بین ارتباط جمعی و ارتباط میان فردی قرار دارد. این شکل از ارتباطات در بستر فناوری های جدیدی نظیر وب 2، فعالیت هایی همچون وبلاگ نویسی و شبکه های اجتماعی امکان ظهور یافته است.

شبکه ها، ساختارهایی باز هستند که می توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدید را در درون خود پذیرا شوند تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند. و متناسب با این شبکه ها، فرهنگ نیز در چارچوب انتقال نمادها به وسیله واسطه های الکترونیک شکل می گیرد. این واسطه های متنوع با مخاطبانی گوناگون سروکار دارند و مجموعه ای غنی از حیث محتوای

1 Nuclear family

2 Social status

3 Job status

4 Social subsystem

5 Survival and solidarity

6 Castells

7 Information technology

8 Real virtuality

نمادین و در قالب متون الکترونیک در اختیارشان قرار می دهند. به این ترتیب این فضای مجازی، حاوی اطلاعات متکثر و متنوع، به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید در می آید و فضای اصلی تعامل های معرفتی را کم و بیش در اختیار می گیرد. به عقیده ی کاستلز در کتاب قدرت ارتباطات^۱، محیط ارتباطی چند رسانه ای فرگیر، می تواند واسطه ای برای بیان تنوع پیام های بدیل در عصر ارتباط گیری جمعی باشد (کاستلز، ۱۳۹۵: ۲۶).

از طرفی، به اعتقاد کاستلز جایگاه اینترنت به عنوان زیرساخت اساسی جامعه اطلاعاتی بسیار مهم است، چراکه اینترنت به تقویت همه جانبه جامعه اطلاعاتی کمک فراوانی می کند. از نظر کاستلز اینترنت باعث تمرکززدایی^۲، تنوع بی شمار مطالب، مجازی بودن، کاهش اهمیت زمان و مکان و ... می شود و سبب شکل گیری هویت جدیدی می گردد. به عقیده ی کاستلز در کتاب عصر اطلاعات، قدرت هویت، اینترنت و کاربرد آن تأثیر مستقیمی بر روابط و مناسبات سیاسی دارد و می تواند از راه برقراری و افزایش ارتباطات دو سوپه، به نوعی باعث ایجاد تعاملات سیاسی اثر بخش گردد و اسباب افزایش تعهد بین المللی، اعتماد و مشارکت بین دولت ها را فراهم سازد و باعث ایجاد جامعه ای مبتنی بر شبکه گردد به جای این که صرفاً بر گروه مبتنی باشد.

به عقیده ی کاستلز بارزترین خصوصیت دوران اینترنت تکثر^۳، چندپارگی، تعدد و عدم تعیین سیاست های هویتی، تمرکززدایی و غیره است که همگی باعث تضعیف منابع جمعی هویت نظیر طبقه و اجتماع می گردد و سطح وفاداری های سنتی به پیوندهای سیاسی و اجتماعی را کاهش می دهد.

یورگن هابرماس

هابرماس^۴ در چارچوب نظری خود دو مفهوم کنش ارتباطی و گستره همگانی را مطرح کرد. در کنش ارتباطی، افراد نه با حسابگری های منفعت طلبانه مانند موفقیت، بلکه از طریق کنش های تفاهم آمیز هماهنگ می شوند. به نظر هابرماس، عقلانیت ارتباطی^۵ به ارتباط رها از سلطه و آزاد بستگی دارد و برای یک جامعه عقلانی به نظامی ارتباطی با امکان ارایه افکار به طور آزاد و وجود حق دفاع در برابر انتقاد نیاز است.

به نظر هابرماس (۱۳۹۲)، حوزه عمومی^۶ نیز مجموعه ای از کنش ها و نهادهای فرهنگی با کارکردهای فراتر از فرهنگی مانند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. این گستره همگانی در واقع همان فضای اظهار نظر، مکالمه، بحث و چاره جویی در مسایل همگانی است که هر کس بالقوه حق شرکت در آن را دارد. مهمترین نقش را برای این گستره همگانی، رسانه های جمعی بر عهده دارند. به عقیده ی هابرماس، اگر حوزه ی عمومی تحت سیطره و سلطه تعداد محدودی از رسانه ها و تشکیلات عظیم و قدرتمند قرار گیرد، این حوزه به وسیله و ابزاری برای دستکاری منافع^۷ و اذهان عمومی^۸ تبدیل می شود.

افراد در حوزه عمومی، از طریق مفاهمه و استدلال و در شرایطی عاری از هر گونه فشار، اضطراب و بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر برای تمام طرف های مشارکت کننده در حوزه عمومی مذکور، به تولید مجموعه ای از رفتارها، مواضع و جهت گیری های ارزشی و هنجاری^۹ می پردازند که در نهایت به صورت ابزاری موثر برای تأثیر گذاردن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می کنند. آنچه موجب جلب نظر هابرماس به مقوله حوزه عمومی شده عبارت است از اهمیت این مفهوم به عنوان اساس نقد جامعه بر اساس اصول دموکراتیک^{۱۰}. به این ترتیب حوزه عمومی عرصه ای است که در آن افراد برای مشارکت در گفتگویی آزاد و علنی^{۱۱} گرد هم آمده اند (هابرماس، ۱۳۹۲).

حوزه عمومی، صحنه نمایشی را طراحی می کند که در آن مشارکت سیاسی از طریق رسانه، گفتگو به اجرا در می آید. حوزه عمومی، فضایی است که در آن شهروندان درباره پیشامدهای روزمره به مشورت می پردازند و از همین رو صحنه، نهادینه شدن تعامل گفتاری^{۱۲} است و محلی برای تولید جریان گفتارهایی است که اساساً نسبت به دولت انتقادی عمل می کنند. حوزه عمومی در معنای هابرماسی از اقتصاد رسمی^{۱۳} نیز جدا است. صحنه، روابط بازار نیست، بلکه در عمل صحنه روابط گفتگومانی است. در فضای مساعد حوزه عمومی، افراد خصوصی

1 Communication power

2 Decentralization

3 Multiplicity

4 Habermas

5 Communicative rationality

6 Public sphere

7 Manipulation of interests

8 Public mind

9 Value and normative orientations

10 Democratic principles

11 Free and open conversation

12 Institutionalizing speech interaction

13 Formal economy

که در کنار هم گرد آمده و با تشکیل اجتماع عرصه فعالیت های عمومی خود را گسترش داده اند در صدد هستند تا منافاع و علائق عمومی را با جدیت و کارآیی بیشتری دنبال نمایند. در آن صورت اصلی ترین و اساسی ترین چیزی که به آن نیاز دارند گسترش ارتباط و مفاهیم در میان آنان است به گونه ای که میزان تاثیر گذاری و نفوذ ارتباط و مفاهیم در میان آنان به نحو احسن افزایش یابد. اما گسترش این ارتباط مستلزم وجود ابزار و امکانات خاصی است. ابزار در سه سطح خرد، میانه و کلان وجود دارد و نوع ارتباط با سایر سطوح تفاوت دارد. در سطح کلان ابزار ارتباطی اینترنت یا شبکه گسترده جهانی است که از طریق آن انسانها ایده ها را مبادله و در مورد موضوع های مورد علاقه خود بحث می کنند، بحثی که ضمن آن عقاید و هویت جمعی خود را شکل می دهند. اینترنت، از نظر هابرماس، فضایی قابل دسترس برای مردم عادی ایجاد می کند، که در آن مردم بدون محدودیت می توانند در مورد مسائل عمومی به صورت نامحدود بحث و مناظره کنند. اینترنت در چارچوب های نامحدود دسترسی به اطلاعات و مشارکت برابر در گفتمان می تواند هدایتگر دموکراتیزه شدن جامعه باشد. به نظر هابرماس اینترنت قادر است در جهت گفتگوی ایده آل شرایطی مناسبی را پی ریزی کند.

نظریه فمینیستی^۲

نوع نگاه فمینیست ها به خانواده نگاه یکسانی نیست، در موج اول، خانواده به ندرت به عنوان یک نهاد^۳ زیر سوال می رفت، اما در موج دوم نگاه اکثریت فمینیست ها به خانواده بسیار انتقادی بود و بیشتر به نقش خانواده در فرودستی زنان توجه می کردند. استدلال کلی آنها این بود که موقعیت زنان به عنوان همسر و مادر و همچنین فرآیند جامعه پذیری در خانواده، که نگرش های مربوط به زن و مرد و زنانگی و مردانگی را به نسل های بعد منتقل می کنند، نقش اصلی را در فرودست سازی زنان و تداوم تقسیم کار مرزهای جنسیتی و روابط قدرت میان زن و مرد دارند.

در رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست بلکه ساختاری ستم آلود^۴ است که باید دگرگون شود. دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده از اصول برنامه های بیشتر فمینیست هاست. به عقیده سیمون دوبوار در کتاب جنس دوم^۵ (۱۳۹۷) آنچه زن را در قید بندگی نگه می دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری^۶ است. وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسان های سالم به شدت مورد حمله قرار می داد و ازدواج را نوعی فحشای عمومی و عامل بدبختی زنان می دانست.

از سوی دیگر، تاکید بسیاری از زنان بر احساس رضایت خود در خانواده، بسیاری از فمینیست ها را تا حدی دچار سردرگمی کرده است، مطرح کردن لذت و رضایت، به جای بی اعتبار قلمداد کردن تلاش هایی که برای نشان دادن ستمگرانه بودن خانواده صورت می گیرد، مابه بسی تعجب است. روشن است که بسیاری از بزرگسالان در خانواده نه تنها نیازهای جنسی خود را ارضا می کنند و از امکان تولیدمثل^۷ برخوردار می شوند، بلکه این احتمال نیز وجود دارد که از این فعالیت ها لذت هم ببرید (مقصودی، ۱۳۸۶: ۲۱).

چارچوب مفهومی پژوهش

در حالی که چارچوب نظری^۸ با گزینش یک یا تلفیقی از چند نظریه و ارائه فرضیات مبتنی بر آن جهت آزمون و بررسی آنها از مهمترین ابعاد روش شناسی کمی^۹ در جامعه شناسی اثبات گراست، چارچوب مفهومی^{۱۰}، خاص مطالعات تفسیری و کیفی^{۱۱} است که مفاهیم اساسی مورد مطالعه را به گونه ای مرتبط؛ مطرح و تشریح می کند (محمدپور، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

با توجه به تفاوت های فلسفی- پارادایمی دو روش کمی و کیفی؛ در بررسی های کیفی به جای استفاده از چارچوب های نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سوال یا سوالات تحقیق استفاده می شود. چارچوب مفهومی؛ مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم و تم های عمده مورد مطالعه تمرکز می کند و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معانی به همدیگر پیوند می دهد.

1 Interests

2 Feminism theory

3 institution

4 Oppressive structure

5 The Second Sex

6 Marriage and motherhood

7 Reproduction

8 Theoretical framework

9 Quantities methodology

10 Conceptual framework

11 Qualitative

چارچوب مفهومی، عبارت است از تبیین ارتباط منطقی و اتصال مفاهیم اساسی، ایده ها و عناصری که قرار است مورد مطالعه قرار بگیرند. به علاوه، مطالعات پیشین و تجربه های شخصی محقق نیز در تدوین چارچوب مفهومی اهمیتی کلیدی دارد. چارچوب مفهومی طرح تحقیق کیفی باید با چهار بعد تحقیق شامل؛ اهداف، سوال ها، روش و اعتبار آن ارتباط منطقی و درستی داشته باشد. برای ساخت چارچوب مفهومی تحقیق کیفی، تبیین و تشریح مفاهیم و مبانی اساسی تحقیق و نیز استفاده از مطالعات پیشین اعم از نظری و عملی ضرورت دارد (ماکسول به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲).

رویکرد تفسیرگرایی^۱ اجتماعی؛ به عنوان رویکرد اصلی در این بررسی، معتقد است که با توجه به خلاق بودن^۲ ماهیت انسان و نیز سیال بودن واقعیت اجتماعی، نمی توان مسیر و روش خاصی برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آنها پیشنهاد داد. از آنجایی که منبع و مرجع نهایی^۳ هرگونه ساخت و ساز و تغییر در واقعیات اجتماعی همان انسان است، پس درک انسانها از واقعیت، تغییر در واقعیت و چگونگی معنادار کردن آنها بسیار مهم است. از این گذشته با توجه به اینکه واقعیت اجتماعی به مثابه امور بر ساخته انسانی فاقد قوانین از پیش تعیین شده بوده و دایما در حال شدن هستند، لذا نمی توان الگویی جهان شمول و عام برای واقعیات اجتماعی و نیز تغییر و دستکاری در آنها وضع کرد. این واقعیات نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند، بلکه صرفا می توانند درک و تفسیر شوند. این رویکرد که بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تاکید دارد، بر این باور است که واقعیات در فرایند درک و تفسیر انسانها و در خلال زندگی روزمره، ساخته و معنادار می شوند. لذا نه تنها نحوه درک و فهم انسانها از واقعیات اهمیت دارد، بلکه دارای اشکال متعددی نیز هست (بوستانی، ۱۳۸۸: ۹-۸). همچنین بر اساس این رویکرد، از آنجا که تفسیر و درک مردم از دنیای پیرامون خود در بستر اجتماعی زندگی روزمره شکل می گیرد، معانی تولید شده وابسته به بستر بوده و در درون آن معنا می شوند.

علی الرغم این مباحث هستی شناسی^۴ و معرفت شناسی^۵ و استدلال کلی رویکرد کنش متقابل نمادین، که نظریه زمینه ای هم یکی از زیر شاخه های آنها در روش بررسی پدیده های اجتماعی می باشد و اعتقاد دارد که سنت پوزیتیویستی^۶ که غالب تئوری پردازی ها در قالب آن انجام شده است، زمینه مند نیستند و ریشه در واقعیات های اجتماعی ندارند (کاف، ۲۰۰۶: ۱۰۷) و لذا ما باید بدون مفاهیم از پیش تعریف شده و مفروض وارد میدان تحقیق شویم و صرف به دسته بندی و فرموله بندی کردن آنها بپردازیم، ولی واقعیت امر بر این است که ذهن ما هم خالی از مفاهیم نیست و خواه ناخواه این نظریات و مفاهیم از پیش ثبت شده در ذهن ما در روال کار و بخصوص طرح سوالات و دسته بندی کردن این متن های جمع آوری شده از طریق مصاحبه، نمونه گیری نظری و مقایسات و شباهت ها تاثیر گذار خواهد بود.

این مفاهیم برداشت شده ما از نظریات، قطعا برای ساختن مدل نظری^۷، تعریف متغیر^۸، عملیاتی کردن^۹ و ساختن پرسشنامه نیست، اما چون حتم داریم که این نظریات هم بر اساس واقعیات ساخته شده اند و به نوعی انتزاع واقعیات هستند، پس درک خاصی از این مفاهیم نیز به تعبیری عامیانه تر نزد مردمان مورد بررسی ما هم وجود دارد. پس ما ناگزیر هستیم که مفاهیمی که در این نظریات وجود دارند و در روال کار ما و درک مردمان مورد بررسی مان نیز وجود دارد، استفاده کنیم و بر ادعای خالی بودن ذهن مان اصرار نورزیم.

لذا مفاهیم مطرح شده در مبانی نظری، راهنمای کار ما در مطرح کردن سوالات و نیز جهت دادن به پیش برد تحقیق حاضر می باشد و در تحلیل نهایی و در مسیر مفهوم بندی ساختار و روابط خانوادگی در بستر فضای مجازی، مورد استفاده قرار می گیرد.

روش شناسی

اصطلاح های گوناگونی مانند ضد طبیعت گرایی^{۱۰}، ضد اثبات گرایی^{۱۱} یا فرا اثبات گرایی^{۱۲} برای اشاره به پارادایم برساختی- تفسیری^{۱۳} به کار می رود. این پارادایم؛ از نظر فلسفی ریشه در نظریه های متفکرانی چون کانت، دیلتای، هوسرل، هایدگر، گادامر و ریکور و از نظر جامعه شناختی مبتنی بر اندیشه های کسانی چون شوتز، وبر، مید، مانهایم، برگر و لاکمن یا به عبارت دیگر دیدگاه های خرد نگر اجتماعی است. پارادایم مذکور در خلال چند دهه ی اخیر و به ویژه از دهه ی ۱۹۷۰ از اهمیت چشمگیری برخوردار شده و توانسته است با به کار گیری روش شناسی کیفی سهم عمده ای در تولید معرفت معاصر داشته است (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۲۳).

1 Interpretive perspective

2 Generative

3 Final authority

4 ontology

5 Epistemology

6 Positivist tradition

7 Theoretical model

8 Variable definition

9 operational

10 -Anti- naturalism

11- Anti- positivist

12 -Post- positivism

13- Construct- interpretive paradigm

به پیروی از تاویل گرایی؛ خصیصه محوری این رهیافت آن است که تفاوت بنیانی بین موضوع های علوم طبیعی و علوم اجتماعی قایل می شود. مطالعه پدیده های طبیعی مستلزم آن است که دانشمند مفاهیم^۱ و نظریه ها را به وجود آورد تا بوسیله آنها توصیف و تبیین انجام دهد؛ دانشمند با اتکال هستی شناسی واقع گرا و معرفت شناسی عینی گرا باید به مطالعه طبیعت آنچنان که هست و از بیرون بپردازد. از طریق استفاده از نظریه، دانشمند علوم طبیعی دست به انتخاب آنچه مرتبط با مساله مورد تحقیق است، می زند. اما از طرف دیگر مطالعه پدیده های اجتماعی نیاز به فهم جهان اجتماعی دارد که مردم از طریق فعالیت های مداوم و روزمره خود آن را تولید و بازتولید می کنند. به این ترتیب که انسانها پیوسته درگیر تفسیر جهان خودشان هستند. به طور خلاصه، قبل از آنکه دانشمند اجتماعی بخواهد کار خود را شروع کند، جهان اجتماعی پیش تر از سوی سازندگان آن تفسیر شده است. بر ساختگرایی عبارت از رویکردی که بر اساس آن؛ کل معرفت، فی النفسه معنادار و بر حسب شیوه های انسانی؛ اقتضایی هستند. جهان اجتماعی در درون و مبتنی بر تعامل بین موجودات انسانی ساخته می شود و در درون یک بستر^۲ ذاتا اجتماعی گسترش یافته و منتقل می گردد. از این دیدگاه؛ معنا کشف نمی شود بلکه ساخته می شود. ابژه دارای معنای ذاتی نیست، بلکه تنها منتظر کسی است که به آن معنایی الصاق کند. مرلپونتی در این خصوص معتقد است که جهان و ابژه های آن نامتعین هستند. آنها ممکن است آبستن معنا باشند؛ اما معنای بالفعل تنها زمانی ظهور می کند که آگاهی با ابژه ها درگیر شود. از نظر متفکران بر ساختی- تفسیری، قبل از اینکه هیچ گونه آگاهی از دنیا قابل تفسیر وجود داشته باشد، جهان اصولا بی معنا بوده است (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۲۴-۳۲۳).

علم اجتماعی تفسیری در پی کشف چرایی اعمال مردم از طریق برملا ساختن معرفت دو جانبه و عمدتا ضمنی معناهای نمادین^۳، انگیزه ها و قواعدی است که به کنش های آنان جهت می دهند. معرفت دو جانبه معرفت زمینه ای است که عمدتا ناگفته و نامدون است؛ این معرفت پیوسته از سوی کنشگران اجتماعی و در جریان تعامل آنها با یکدیگر مورد استفاده و جرح و تعدیل قرار می گیرد و توسط آنها در جریان زندگی جمعی شان تولید و بازتولید می شود. پژوهشگر اجتماعی باید همین قاعده و اعمال هر روزه را که عادی و بدیهی پنداشته می شوند، دریابد و به صورت مدون درآورد تا به فهم این کنش ها نایل شود. کنشگران اجتماعی برای نیل به توافق درباره دنیایشان و دادن معنایی به آن ناچارند فعالیت هایشان را به صورت جمعی تفسیر کنند و همین معناها که در زبان جای می گیرند، به واقعیت اجتماعی آنان شکل می دهند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۳).

اما این معناهای ذهنی هرگز خصوصی نیستند، بلکه بین الذهانی^۴ هستند. اعضای هر گروه یا جامعه معینی دارای معناها و تفسیرهای مشترکی هستند و این معناها و تفسیر های مشترک را از طریق تعامل های مداوم با یکدیگر حفظ می کنند. از این رو، تبیین های اجتماعی باید فراتر از معناهای خاصی بروند که یک کنشگر اجتماعی به کنش های خود می دهد و با معناهای نوعی که توسط کنشگران اجتماعی نوعی بازتولید می شوند سروکار داشته باشند و این کار مستلزم تخمین و انتزاع است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

دلایل بسیاری برای انجام پژوهش کیفی هست. ترجیح و تجربه پژوهشگر یک دلیل است. برخی بیشتر متمایل و از لحاظ خلقی، مناسب تر برای انجام کار کیفی اند. برخی از رشته ها (نظیر مردم شناسی^۵) به دلیل جهت گیری های فلسفی آن (پدیدارشناسی^۶)، بیشتر از روش های کیفی استفاده می کنند. دلیل دیگر؛ که شاید معتبرتر از همه باشد، ماهیت سوال پژوهش است. مثلا پژوهشگری که می کوشد معنا یا ماهیت تجربه افراد درگیر مسایلی نظیر طلاق، بیماری های مزمن، اعتیاد و مانند اینها را دریابد، با ورود به صحنه زندگی واقعی و تامل بر آنچه مردم می گویند، بهتر موفق می شود. روش های کیفی را می توان برای کشف عرصه هایی از زندگی که از آنها چیزی نمی دانیم، یا عرصه هایی که از آنها بسیار می دانیم اما می خواهیم فهم تازه به دست آوریم، به کار برد. به علاوه، روش های کیفی را می توان برای به دست آوردن جزئیات ظریف از پدیده هایی نظیر احساس، فرایند های ذهنی و هیجاناتی به کار برد که آموختن درباره آنها با استفاده از روش های متعارف پژوهش دشوار است (اشتراوس، ۱۳۹۱: ۳۳).

هدف ما هم برای استفاده از روش کیفی، در جهت ورود به دنیای زیسته^۷ افراد سازمان ورزش در استان تهران و بررسی تلقی آنها از نقش سرمایه اجتماعی در بهبود عملکرد روابط عمومی این سازمان است. سوالاتی از قبیل اینکه، تلقی آنها از سرمایه اجتماعی چیست؟ چه مولفه هایی این سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند؟ و رابطه این سرمایه با روابط عمومی چگونه است و چگونه می تواند بر عملکرد آن تاثیر گذار باشد، مورد بررسی قرار می گیرد.

1 concepts

2 context

3 Symbolic meanings

4 -inter subjective

5 -ethnology

6 -phenomenology

7 Lived world

این سوال ها و مفاهیم از نقطه نظر خود افراد شرکت کننده در مصاحبه مورد بررسی قرار می گیرد و ذهنیات آنها به صورت تجربه زیسته مورد بررسی قرار می گیرد.

روش نظریه زمینه ای

منظور ما از نظریه زمینه ای^۱ آن نظریه ای است که مستقیماً از داده هایی استخراج شده است؛ که در جریان آن، پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده است. در این روش؛ گردآوری داده ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند (مگر آنکه منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می کند و می گذارد تا نظریه از درون داده هایی که گرد می آورد؛ پدیدار شود. نظریه ای که بدین طریق از داده ها استخراج شده باشد، بیشتر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه ای که با کنار هم نهادن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفاً حدس و گمان. نظریه زمینه ای به سبب آنکه از داده ها بیرون کشیده می شوند، بیشتر می توانند بصیرت افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل باشند(اشتراوس، ۱۳۹۱: ۳۴).

اگرچه مفهوم ها را از دل داده ها بیرون کشیدن مشخصه اصلی این روش است، اما خلاقیت پژوهشگر نیز از مصالح اصلی آن است. پاتن که از روش کیفی برای پژوهش هایی استفاده می کند که هدف از آنها ارزشیابی است، می گوید "ارزشیابی کیفی بر تفکر انتقادی و خلاق استوار است - یعنی هم علم و هم هنر تحلیل". تحلیل عبارت است از تقابل میان ذهن پژوهشگر و داده ها. تحلیل هم علم است و هم هنر؛ علم است به این معنا که پژوهشگر با گذاشتن پایه تحلیل در داده های به دست آمده، حدی از انضباط را حفظ می کند؛ هنر است از آن نظر که خود را در توانایی پژوهشگر در مقوله پردازی ها و پرسیدن سوال های برانگیزنده، مقایسه و استخراج یک طرح نو، منسجم و واقع بینانه از انبوه داده های خام و سازمان نیافته نشان می دهد. برقراری تعادل میان علم و خلاقیت آن چیزی است که ما در پژوهش به دنبال آن هستیم(اشتراوس، ۱۳۹۱: ۳۵).

اساساً پژوهش کیفی سه جز یا مولفه دارد: نخستین آن داده ها هستند که آن را می توان از منابع مختلف نظیر مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک و فیلم حاصل کرد. دوم ترتیباتی عملی یا گام هایی اند که پژوهشگران می توانند از آنها برای تفسیر و سازمان دادن به داده ها استفاده کنند. این ترتیبات معمولاً تشکیل می شوند از؛ مفهوم سازی، فروگاهی (یا تاویل) داده ها، تعیین مقوله ها با استفاده از ویژه گی ها و ابعاد و در پایان ربط دهی یا نسبت دهی مقوله ها به هم از طریق شماری گزاره خبری. مفهوم سازی، فروگاهی، مقوله پردازی و ربط دهی را اغلب کدگذاری می نامند. ترتیبات عملی دیگر، بخشی از فرایند تحلیل اند و شامل نمونه گیری غیر آماری، نوشتن یادداشت های تحلیلی و نمودار سازی می شود. گزارش های کتبی و شفاهی سومین جز پژوهش کیفی را می سازند. این گزارش ها را می توان به صورت مقاله و مجلات علمی و همایش ها یا به صورت تک نگاشت عرضه کرد (اشتراوس، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴).

فرایند انجام پژوهش در چارچوب این روش شناسی با یادگیری همراه است. کار در این چارچوب نوعی تعامل بین پژوهشگر و داده هاست و فرد به هنگام تحلیل داده هایش به تجربه های خود اتکا می کنند و همین تجربه ها مبنای مقایسه و کشف ویژه گی ها یا خصیصه ها در پدیده ها و ابعاد این ویژه گی ها در آنهاست (اشتراوس، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۷).

ساخت نظریه زمینه ای مستلزم آگاهی و استفاده از ادبیات و مفاهیم خاص این روش است. بر همین اساس، مهمترین مفاهیم مورد استفاده آن معرفی می شوند:

تحلیل^۲: تحلیل در نظریه زمینه ای به بررسی و کدگذاری مورد، جهت تعیین ویژه گی ها و کارکردهای آن و سپس به کارگیری دانش به دست آمده برای ارایه استنباط ها در کل مطالعه است. تحلیل داده های نظریه زمینه ای از طریق رویه ی تحلیل مقایسه ای ثابت صورت می گیرد.

تحلیل مقایسه ای ثابت^۳: مقایسه رویداد در برابر رویداد برای یافتن شباهت ها و تفاوت ها.

مقایسه های نظری^۴: ابزار تحلیلی مورد استفاده برای تحریک اندیشه در مورد محتواها و ابعاد مختلف مقوله ها.

کدگذاری^۵: استخراج مفاهیم از داده های خام بر حسب محتواها و ابعاد.

1 -Grounded Theory

2 Analyze

3 -Constant comparative analyses

4 -Theoretical comparative

5 -coding

اشباع نظری^۱: پر شدن فضای یک مفهوم یا مقوله و عدم ظهور داده های جدید. اما اشباع چیزی بیش از فقدان داده جدید است. اشباع به توسعه مفاهیم بر حسب معنای الصاق شده در آنها و بر اساس محتواها و ابعاد نیز اطلاق می شود. آیا مفاهیم را با محتوای داده پر کرده اید؟ آیا هر مقوله را با مفاهیم مناسب و مرتبط اشباع کرده اید؟

مفهوم یا کد^۲: کلمه ای که به گروه یا طبقه ای از اشیا، رویدادها و کنش هایی الصاق می شود که در برخی از ویژه گی های عمومی مشترک هستند.

کدگذاری باز^۳: عبارت است از مفهوم بندی و مقوله بندی تکه هایی از داده ها به وسیله یک نام، عنوان یا برجسب هایی که به طور همزمان هر قطعه از داده ها را تلخیص و تشریح می کند. کدها نشان می دهند که شما چطور داده ها را جهت آغاز تحلیل آنها انتخاب کرده، جدا نموده و دسته بندی کرده اید. به بیان دیگر، کدگذاری باز به عملیات جدا سازی داده ها و الصاق مفاهیم اولیه به داده های خام گفته می شود.

کدبندی متمرکز^۴: استفاده از معنادارترین یا فراوان ترین کدهای اولیه برای غربال کردن و تقلیل میزان زیادی از کدهای ایجاد شده در مرحله کدگذاری باز سطح اول است.

شرح واره^۵: یادداشت مکتوب از کدها یا مفاهیم، مقوله ها و تحلیل ها. شرح واره یک گام میانین بین گردآوری داده ها و نوشتن متن اولیه گزارش تحقیق است شرح واره نقش مهمی در ساخت نظریه زمینه ای دارد؛ زیرا محقق را تحریک می کند تا داده ها و کدهای خود را از همان ابتدای تحقیق تحلیل نماید.

کدگذاری محوری^۶: میان بر زدن و مرتبط سازی مقوله ها به یکدیگر. کدبندی محوری مقوله ها را به زیر مقوله ها یا مفاهیم مرتبط می سازد؛ محتواها و ابعاد هر مقوله را مشخص می سازد و داده هایی را که محقق در خلال کدبندی باز از یکدیگر باز کرده است جهت تحلیل در حال ظهور به هم ربط می دهد.

مقوله^۷: مفاهیمی با سطح بالای انتزاع که از مجموعه ای از مفاهیم سطح پایین بر حسب ویژه گی های مشترک استخراج شده اند؛ مقوله را گاهی تم نیز می گویند. مقوله ها، تحلیل گر را قادر می سازند تا داده ها را تقلیل داده و ترکیب نمایند. هر مقوله می تواند دارای سه عنصر بعد، محتوا و الگو باشد:

- بعد^۸: تنوع یک ویژه گی در امتداد با یک دامنه از پراکندگی، کمیت و میزان وجود آن معانی در قالب یک پیوستار معنایی.
- محتوا^۹: ویژه گی هایی که مفاهیم یا مقوله ها را تعریف و تشریح می کنند؛ محتوا عبارت است از آن دسته از مفاهیم، معانی یا کدهایی که فضای معنایی درون یک مقوله را تشکیل می دهند.
- الگو^{۱۰}: ترکیب هر مشخصه محتوایی با یک بعد خاص گفته می شود.

خط داستان^{۱۱}: عبارت است از توضیح مفصل و جز به جز مقوله های عمده با ارجاع به یادداشت ها و خلاصه ها، استناد به نقل قول های افراد مورد مطالعه و استفاده از تصاویر و داده های مشاهده ای. خط داستان باید مقوله های عمده را به صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم فهرست وار توضیح دهد و هر کدام را در ارتباط با دیگری و سپس در ارتباط با کل قرار دهد. این فرایند به تنظیم تحلیلی و منطقی داده ها کمک کرده و زمینه را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته فراهم می سازد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

دیگرام^{۱۲}: یک طرح تصویری است که رابط بین مفاهیم و مقوله های تحلیلی را ترسیم می کند. کدگذاری گزینشی^{۱۳}: انتخاب مقوله ی هسته با تمرکز بر فرآیندهای اجتماعی بنیادی مشهود در داده ها. مدل پارادایمی^{۱۴}: مدل صوری که در آن مقوله های عمده حول مقوله ی هسته به تصویر کشیده شده و روابط بین آنها ترسیم می شوند. هر مدل پارادایمی زمینه ای دارای سه جز شرایط یا بسترها، تعامل، راهبردها یا فرایندها و پیامدها است.

- 1- Theoretical saturation
- 2- Concept or code
- 3- Open coding
- 4- Concentrative coding
- 5- memo
- 6- Axial coding
- 7- category
- 8- dimension
- 9- content
- 10- pattern
- 11- Story line
- 12- diagram
- 13- Selective coding
- 14- Paradigm model

- شرایط یا بسترها^۱: بیانگر آن دسته از شرایط، موقعیت ها و زمینه هایی می شود که به ظهور پدیده مورد مطالعه منتهی شده اند. شرایط، بسترهای ساختاری را در بر می گیرد که ماهیت موقعیت، مقتضیات یا مساله ای که افراد به آن با کنش/ تعامل/ عواطف پاسخ می دهند شکل می دهد و از سطح خرد تا کلان را شامل می شود.
- تعامل ها، راهبردها یا فرایندها^۲: بیانگر آن دسته از تعامل ها و کنش هایی است که کنشگران در قبال آن شرایط از خود بروز داده اند. به عبارت دیگر، تعامل ها/ راهبردها/ فرایند عبارت است از جریان کنش ها/ تعامل ها/ عواطفی که در پاسخ به رویدادها، موقعیت ها و مسایل روی می دهند.
- پیامدها^۳: بیانگر پیامدها و نتایج این تعامل ها و تحت تاثیر شرایط مربوط به آنهاست (محمد پور، ۱۳۹۲: ۳۳۰-۳۲۸).

روش نمونه گیری و روش انجام کار

در روش نظریه زمینه ای محقق با دو نوع نمونه گیری به طور همزمان سرو کار دارد :

الف) نمونه گیری از مشارکت کنندگان

ب) نمونه گیری نظری.

در روش نظریه زمینه ای برای انتخاب مشارکت کنندگان از روش نمونه گیری هدفمند و معیار محور استفاده می شود و برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده ها و یافتن مسیرهای پژوهش از نمونه گیری نظری استفاده می شود (گلاسر و اشتراوس، ۱۳۹۱: ۴۶). نمونه گیری را بر اساس الگوی هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می دهیم. بعد از رسیدن به سطحی که دیگر داده ای تولید نشود، نمونه گیری را متوقف می کنیم. در نمونه گیری نظری، ما به مقایسه داده ها درون متن پیاده شده می پردازیم و این داده ها به صورت تفاوتی و قیاسی با هم در تعامل قرار می دهیم و موارد مشابه و متفاوت را در انتخاب مقوله و واحد معنایی لحاظ می کنیم.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی اعضای جامعه آماری پژوهش، یعنی تمامی خانواده های ساکن در محله کاج و سرو در منطقه ۲ تهران در سال ۱۳۹۹ می باشد. حجم نمونه با توجه به رسیدن به اشباع نظری، ۲۵ نفر بوده است که از این میان؛ ۱۳ نفر مرد و ۱۲ نفر زن هستند. در زیر جدول مشخصات مصاحبه شوندگان آورده می شود.

ردیف	اسم مستعار	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل
۱	سکینه	زن	۲۸	کارشناسی ارشد	معلم
۲	احمد	مرد	۳۶	لیسانس	شغل آزاد
۳	رقیه	زن	۱۵	دیپلم	دانش آموز
۴	رضوان	زن	۴۷	لیسانس	کارمند
۵	علی	مرد	۴۲	کارشناسی ارشد	کارمند
۶	رضا	مرد	۱۸	فوق دیپلم	دانشجو
۷	محمد	مرد	۴۵	لیسانس	شغل آزاد
۸	طاها	مرد	۲۵	لیسانس	شغل آزاد
۹	مریم	زن	۲۷	دیپلم	آرایشگر
۱۰	نازنین	زن	۳۰	لیسانس	منشی شرکت
۱۱	هاجر	زن	۵۲	دیپلم	خانه دار

1 -Condition or context

2 -Interaction, process

3 -consequential

۱۲	رقیه	زن	۴۶	دکتری	شغل آزاد
۱۳	فاطمه	زن	۴۳	لیسانس	کارمند
۱۴	ایرج	مرد	۴۷	کارشناسی ارشد	شغل آزاد
۱۵	عبدالله	مرد	۴۵	دیپلم	مشاور املاک
۱۶	نریمان	مرد	۳۹	سواد حوزوی	دفتردار
۱۷	پدرام	مرد	۵۲	پنجم ابتدایی	مکانیک
۱۸	رضا	مرد	۳۱	دیپلم	فروشنده
۱۹	جواد	مرد	۴۸	دکتری	استاد دانشگاه
۲۰	سمیرا	زن	۳۵	کارشناسی ارشد	وکیل
۲۱	فرشید	مرد	۳۷	کارشناسی ارشد	شغل آزاد
۲۲	فهیمه	زن	۳۹	کارشناسی ارشد	متصدی مخابرات
۲۳	خدیجه	زن	۲۸	دیپلم	شغل آزاد
۲۴	ناهید	زن	۴۲	کارشناسی ارشد	شغل آزاد
۲۵	ابوالفضل	مرد	۲۴	لیسانس	دانشجو

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

با توجه به جدول بالا، میانگین سنی مصاحبه شوندگان ۳۷ سال می باشد که از این میان ۱ نفر پنجم ابتدایی، ۱ نفر سواد حوزوی، ۶ نفر دیپلم، ۱ نفر فوق دیپلم، ۷ نفر لیسانس، ۶ نفر کارشناسی ارشد و ۲ نفر هم دارای مدرک دکتری هستند.

یافته های پژوهش

شرایط یا بسترها

شرایط یا بسترها؛ بیانگر آن دسته از شرایط، موقعیت ها و زمینه هایی هستند که به ظهور پدیده مورد مطالعه منتهی شده اند. شرایط، بسترهای ساختاری را در بر می گیرد که ماهیت موقعیت، مقتضیات یا مساله ای که افراد به آن با کنش/ تعامل/ عواطف پاسخ می دهند شکل می دهد و از سطح خرد تا کلان را شامل می شود. در این بخش گزاره های بر اساس شرایط و بسترها سازماندهی می شوند و متناسب با الگوی ارائه شده مقولات و مفاهیم مرتبط با آن بیرون کشیده خواهد.

ردیف	گزاره	مفهوم
۱	همه اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی هستند.	حضور حداکثری اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی
۲	الان کمتر کسی هست که موبایل هوشمند نداشته باشد.	همه گیری موبایل در جامعه
۳	بیشتر وقتایی که در خانه هستیم با تلفن و برنامه های مختلفش کار می کنیم.	گذراندن وقت زیاد در شبکه های

اجتماعی		
۴	کسی به کار کسی دیگه کاری نداره و چون همه اعضای خانواده در همه حال مشغول کار کردن با گوشی هستند، کسی به کسی اعتراضی نداره.	احترام به فضای خصوصی اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی
۵	دیگه پدر و مادر یا بزرگ خانواده نیستند که اعضای خانواده دور آنها جمع می شوند و به حرفای اونها گوش بدهند.	زیر سوال رفتن اقتدار والدین
۶	بیشتر وقتم رو در شبکه های اجتماعی می گذرونم و شاید ساعت ها بگذره و متوجه نشم.	حضور شبانه روزی در شبکه های اجتماعی
۷	اگه در شبکه های اجتماعی نباشین، از اخبار و مسایل روز بی خبرین.	گرفتن اطلاعات از شبکه های اجتماعی
۸	من از تلگرام برای ارسال مطالب به دانشجویها و نیز ارتباط با اونها استفاده می کنم.	استفاده از شبکه های اجتماعی برای انجام امور
۹	برنامه واحدی به ندرت کل اعضای خانواده رو دور هم جمع می کند و هر کدام کارهای شخصی خودمونو داریم و سرمون تو گوشی هست.	جدا افتادن اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی
۱۰	بیشتر بخش سرگرمی من در محیط خانواده با گوشی و حضور در شبکه های اجتماعی می گذره.	سرگرم شدن در شبکه های اجتماعی
۱۱	زندگی های امروزی طوری شده که همه جدا جدا و دور از هم زندگی می کنن و کمتر فرصت میشه حضوری همدیگرو ببینن.	جدا شدن اعضای خانواده
۱۲	در وضعیت فعلی که بیشتر وقت ها خونه هستیم، تمامی کارهامو از طریق شبکه های اجتماعی انجام می دم.	انجام امور توسط شبکه های اجتماعی
۱۳	از فرط بیکاری، غیر شبکه های اجتماعی کار دیگه ای ندارم باهاش مشغول بشم.	پر کردن اوقات با شبکه های اجتماعی
۱۴	محیط جذاب شبکه های اجتماعی، بیشتر اوقات از محیط بی رمق خانواده که کسی با من سازگاری نداره، دلنشین تر است.	جذابیت شبکه های اجتماعی
۱۵	تنوع در شبکه های اجتماعی بیشتر است.	تنوع شبکه های اجتماعی
۱۶	من بیشتر وقتم رو به کار کردن می گذرونم و بچه ها هم بیشتر تو گوشی هستند.	حضور در شبکه های اجتماعی بخاطر مشاغل والدین
۱۷	من تمامی کارهامو همزمان با حضور در شبکه های اجتماعی انجام می دم.	حضور همزمان شبکه های اجتماعی در همه کارها
۱۸	خوبی شبکه های اجتماعی اینه که می تونم دوستانو خودم انتخاب کنم و باهاشون بر اساس سلیق خودم در ارتباط باشم.	برآورده شدن سلیق فردی
۱۹	در جمع های حضوری هم راجع به مسایلی که در شبکه های اجتماعی می گذره، صحبت می کنیم.	صحبت کردن از شبکه های اجتماعی در گردهمایی های حضوری

جدول ۲: جدول مرتبط با استخراج مفاهیم از گزاره ها (شرایطی)

در این مرحله ما به استخراج مفاهیم از گزاره ها پرداختیم و ۱۹ مفهوم از متن مصاحبه ها، استخراج کردیم. این گزاره های دامنه تغییرات شرایط و وضعیتی را که این افراد در آن قرار گرفته بودند و نیز تلقی خود آنها از بستر اعتماد اجتماعی در شهر آستانه اشرفیه را پوشش می

دهد. در مرحله بعد، مفاهیم بر اساس نمونه گیری نظری مورد مقایسه قرار می گیرد و مقولات مرتبط با این مفاهیم استخراج می شود. مفاهیم تکرار و همپوشان در هم ادغام خواهند شد و مقولاتی برخاسته از پوشش معنایی همه مفاهیم ارائه می دهیم.

ردیف	مفهوم	مقوله
۱	حضور حداکثری اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی- همه گیری موبایل در جامعه- گذراندن وقت زیاد در شبکه های اجتماعی- حضور شبانه روزی در شبکه های اجتماعی-	همه گیری شبکه های اجتماعی در میان همه اعضای خانواده
۲	زیر سوال رفتن اقتدار والدین -احترام به فضای خصوصی اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی- جدا افتادن اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی- جدا شدن اعضای خانواده- حضور در شبکه های اجتماعی بخاطر مشاغل والدین-	تغییرات ساختاری محیط خانواده
۳	تنوع شبکه های اجتماعی- جذابیت شبکه های اجتماعی- برآورده شدن سلیق فردی	تنوع و جذابیت شبکه های اجتماعی
۴	پر کردن اوقات با شبکه های اجتماعی- سرگرم شدن در شبکه های اجتماعی- حضور همزمان شبکه های اجتماعی در همه کارها- صحبت کردن از شبکه های اجتماعی در گرهمایی های حضوری- استفاده از شبکه های اجتماعی برای انجام امور- انجام امور توسط شبکه های اجتماعی- گرفتن اطلاعات از شبکه های اجتماعی	انجام امور کاری و فراغتی توسط شبکه های اجتماعی

جدول ۳: جدول استخراج مقوله ها از مفاهیم و مشخص کردن نوع مقوله(شرایطی)

در این مرحله، ۴ مقوله اساسی از مفاهیم اصلی تحقیق در بخش شرایطی به دست آمد. این مقولات همگی دلالت بر اوضاع و احوالی هستند که کنش های روزمره افراد در محیط خانواده بر گرد آنها شکل می گیرد و زمینه را برای عمل کردن افراد مهیا می کنند. این شرایط، ساختار اصلی اوضاع و شرایطی است که افراد در آنها حضور دارند و خود را با آن تعریف می کنند.

تعامل ها، راهبردها یا فرایندها

تعامل ها، راهبردها یا فرایندها؛ بیانگر آن دسته از تعامل ها و کنش هایی است که کنشگران در قبال آن شرایط از خود بروز داده اند. به عبارت دیگر؛ تعامل ها/ راهبردها/ فرایند عبارت است از جریان کنش ها/ تعامل ها/ عواطفی که در پاسخ به رویدادها، موقعیت ها و مسایل روی می دهند. در این بخش ما به بررسی واکنش ها و کنش های این افراد به شرایط که در آن قرار گرفته اند و بر آنها به نوعی تحمیل شده است، می پردازیم. این افراد محیط خود را چگونه درک می کنند؟ چگونه آن را ارزیابی می کنند و در نهایت چگونه به آن پاسخ می دهند. این پاسخ ها که در بطن خود اراده و آگاهی و بعضا ناآگاهی را دارد، بر اساس فرضی است که در این روش به آن معتقدند و اینکه اساسا آنها موقعیت خود را تعریف می کنند و به آن پاسخ می دهند. این پاسخ متفاوت از پاسخ رفتارگرایی که رفتاری مکانیکی و مبتنی بر محرک - پاسخ است. در کنش متقابل نمادین، افرادی دارای اراده هستند و می توانند بر اساس اراده و تعریفی که از زیست جهان خود دارند، متفاوت عمل کنند. البته این امر به معنای آزادی کامل و نیز قایل به بودن صرف به جنبه های مثبت این امر نیست و می تواند مخرب و نیز کنشی در جهت جنبه های منفی و غیر عقلایی هم باشد.

ردیف	گزاره	مفهوم
۱	همش دلمشغولی شبکه های اجتماعی را دارم و مدام در حال چک کردن گوشیم هستم.	دل مشغول شبکه های اجتماعی

۲	شبها تا دیر وقت در شبکه های اجتماعی هستم و ساعات خوابم در روزهایی که باید سرکار باشم، بهم می ریزد.	بهم ریختگی ساعات خواب بخاطر حضور در شبکه های اجتماعی
۳	ساعات خواب و وقت استراحت و غذا خوردنم بر اساس میزان ساعاتی که در شبکه های اجتماعی می گذره، تنظیم می شه.	تنظیم برنامه های روزانه با محوریت شبکه های اجتماعی
۴	مطالبی رو روزانه برای اعضای خانواده م میفرستم تا بفهمن به یادشون هستم./	ارتباط خانوادگی در محیط شبکه های اجتماعی
۵	من با خانواده زندگی نمی کنم، ولی از طریق شبکه های اجتماعی با اونها در ارتباط هستم و از طریق تماس تصویری اونها رو می بینم.	در ارتباط بودن با اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی
۶	ی گروه خانوادگی در تلگرام داریم که تمامی مطالب رو اونجا مطرح می کنیم و همگی در اونجا نظر می دیم.	تشکیل گروه های خانوادگی در شبکه های اجتماعی
۷	چون همه اعضای خانواده در این شبکه های اجتماعی هستیم و معمولا مطالب رو برای هم ارسال می کنیم، تو خیلی از زمینه های نظراتمون بهم نزدیک شده.	کم شدن شکاف نسلی بخاطر مصرف شبکه های اجتماعی
۸	این شبکه های باعث شدن که همه اعضای خانواده بتونن در همه مسایل اظهار نظر کنن و آگاه بشن.	آگاهی و اظهار نظر همه اعضا در خانواده

جدول ۴: جدول مرتبط با استخراج مفاهیم از گزاره ها (تعاملی)

در قسمت تعامل ها یا فرآیندها، ۸ مفهوم در نهایت از گزاره ها استخراج شد. این مفاهیم نشان دهنده پاسخ این افراد به این وضعیتی ای است که در آن قرار گرفته اند. در مرحله بعد این مفاهیم مورد بررسی قرار می گیرند و مقوله های مرتبط با مفاهیم مرتبط بیرون کشیده می شود. نوع مقوله ها هم مشخص خواهند شد.

ردیف	مفهوم	مقوله
۱	دل مشغول شبکه های اجتماعی- بهم ریختگی ساعات خواب بخاطر حضور در شبکه های اجتماعی- تنظیم برنامه های روزانه با محوریت شبکه های اجتماعی	استرس و بهم ریختگی امور روزانه بواسطه حضور در شبکه های اجتماعی
۲	ارتباط خانوادگی در محیط شبکه های اجتماعی- در ارتباط بودن با اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی- تشکیل گروه های خانوادگی در شبکه های اجتماعی-	شکل گیری ارتباط خانوادگی در شبکه های اجتماعی
۳	کم شدن شکاف نسلی بخاطر مصرف شبکه های اجتماعی- آگاهی و اظهار نظر همه اعضا در خانواده	برابری و آگاه شدن اعضای خانواده در محیط شبکه های اجتماعی

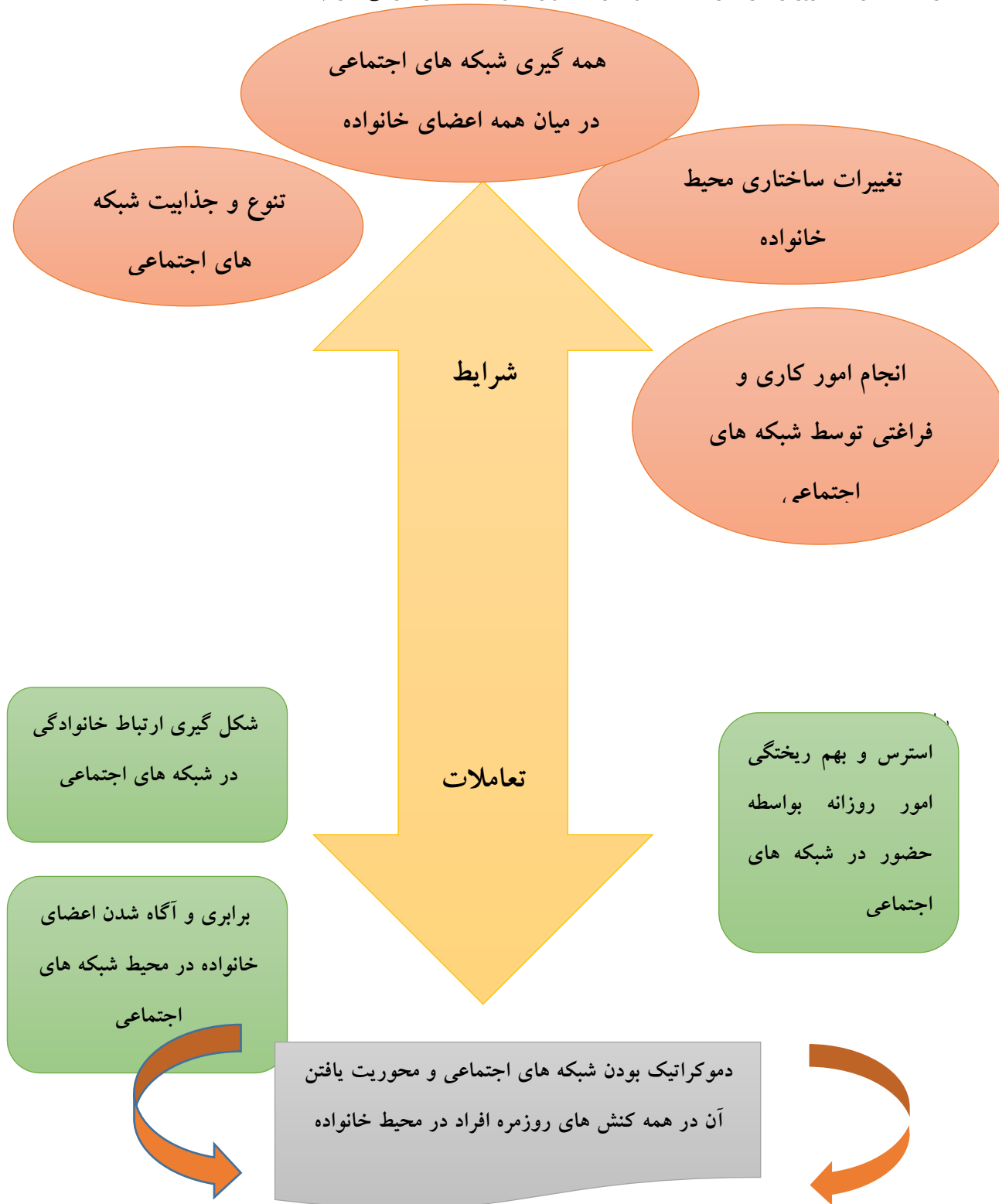
جدول ۵: جدول استخراج مقوله ها از مفاهیم و مشخص کردن نوع مقوله (تعاملی)

پیامدها

این بخش شامل تغییر و تحولاتی است که منتج از در هم کنشی و تعامل شرایط و بستریایی است که افراد در آن قرار گرفته اند و نیز تعاملات و واکنش هایی است که آنها از خود در قبال این محیط بروز می دهند. نتیجه این پیامدها در مقوله ای به عنوان مقوله هسته که در بردانده نتایج کل این کش و قوس است خود را نشان می دهد .

مقوله هسته

در واقع، مقوله هسته خروجی ای است که در هم آمیختن شرایط یا بسترها با تعاملات به دست می آید. این افراد به دلیل فضایی که شبکه های اجتماعی در محیط خانواده فراهم کرده است، دست به کنش ها و واکنش هایی می زنند که در نهایت، ماحصل آن در قالب مقوله هسته خود را نشان می دهد. در این تحقیق با توجه به مطالب ارائه شده، مقوله دموکراتیک بودن شبکه های اجتماعی و محوریت یافتن آن در همه کنش های روزمره افراد در محیط خانواده را به عنوان، مقوله هسته در نظر می گیریم.



بحث و نتیجه گیری

چارچوب نظری انتخاب شده برای این تحقیق، نظریات ارتباطی کاستلز و فضای عمومی هابرماس بودند که دلیل عمده انتخاب این دو نفر دوری از کلیشه های مرسوم و تاکید بر آسیب زا بودن محیط خانواده گی در بستر تعاملات فضای مجازی و استفاده کردن از اپلیکیشن ها و نرم افزارهای این محیط جدید بود. بیشتر تحقیقات از نظریاتی استفاده می کردند که بر نامساعد شدن محیط خانواده در بستر اینترنت می چرخید ولی پتانسیل ها و توانایی های این عامل جدید مد نظر قرار نمی گرفت.

فرض اشتباهی که در غالب تحقیقات و مطالعات اجتماعی- رفتاری- تربیتی و روانشناسی وجود دارد این است که این مطالعات فرض را بر مطلوب بودن وضعیت موجود می دانند که با ورود پدیده جدید؛ مثل طلاق، فضای مجازی، قدرت، ثروت و رشد اقتصادی این وضعیت بهم خورده است و سامان اجتماعی، دچار رکود خواهد شد و سیر قهقرایی را طی خواهد کرد.

مطالعات خانواده در ایران نیز از این امر مستثنی نیست و غالب تحقیقات بر مساعد بودن شرایط خانواده در ایران تاکید می کنند که وضعیت مدرن و سیالیت آن در دنیایی جهانی، این وضعیت را به هم ریخته است. اما نتایج این تحقیق که با استفاده از نظریات انتخاب شده گامی در جهت خلاف جریان این تحقیقات بوده است، نشان می دهد که این مفروضات و کلیشه ها، به لحاظ منطقی درست و به لحاظ واقعی، متفن نیستند.

در یک جمع بندی کلی از مقوله های اصلی تحقیق، می توان گفت که فضای مجازی می تواند تغییرات گسترده ای در محیط و بستر روابط خانوادگی فراهم آورد و بسیاری از الگوهای سابق را بشکند و طرح و ساختاری جدید از این روابط را فراهم کند، اگرچه نباید از جنبه های جدیدی، همچون اشتغال همزمان زن و مرد در محیط بیرون از خانواده، فردگرایی، سلطه تکنولوژی، فضای خصوصی و رویکرد نقادانه به نهادهای اجتماعی که ذاتا مشخصه دوران مدرن است، غفلت ورزید.

ساختار خانواده در ایران؛ پدر سالار، متمرکز، سلسله مراتبی، مرد محور، مستبد و با مفروض گرفتن این عوامل حمایتی و جایگاهی برای زیست افراد بوده است. این وضعیت را نمی توان مطلوب در نظر گرفت و فرض را بر آسیب زا نبودن خود این شرایط ندانست. با چه استدلالی این تحقیقات ادعا کرده اند که فضای مجازی این محیط امن و مطلوب را بهم ریخته است؟ چه مطلوبیتی در این ساختار بیمارگون و استبدادی وجود دارد که این تکنولوژی جدید آن را بهم ریخته است؟ زنان، بچه ها در کجای این ساختار تعریف شده اند؟ امنیت بر مبنای چه شاخصه هایی تعریف شده است که در وضعیت فعلی توسط فضای مجازی، آسیب دیده است؟

بنا به عقیده ی کاستلز بارزترین خصوصیت دوران اینترنت تکثر، چندپارگی، تعدد و عدم تعیین سیاست های هویتی، تمرکززدایی و غیره است که همگی باعث تضعیف منابع جمعی هویت نظیر طبقه و اجتماع می گردد و سطح وفاداری های سنتی به پیوندهای سیاسی و اجتماعی را کاهش می دهد.

اگر این باور را در زمینه تغییرات خانواده به کار بگیریم؛ آیا تکثرگرایی و تمرکززدایی که در محیط خانواده به وقوع پیوسته است را بایستی از نقطه نظر ایجابی و مثبت شدن شرایط در نظر گرفت یا آن را آسیبی برای خانواده سنتی و ایرانی در نظر گرفت؟ تضعیف پیوند های سنتی ای که در خیلی از موارد در قالب مالکیت و صاحب شدن بر جان و مال فرزندان و زنان توسط مردان و اعضای ارشد، تعبیر می شده است، را بایستی امری منفی تلقی کرد و یا آزاد شدن افراد و فرد گرایی آن در محیط خانواده را گامی در جهت بلوغ و تحقق امیال شخصی در محیط خانواده در نظر گرفت؟

از سوی دیگر، محوریت یافتن شبکه های اجتماعی در کنش های روزمره باعث شده است در بسیاری از موارد کنترل این فضا از دست افراد خارج شود و نظم امور آنها را بر بیزد. این مسایل و ادغام فضای مجازی و واقعی را بایستی در کنار بسیاری از موارد دیگر نه به عنوان تقدس زدایی از محیط خانواده، بلکه بایستی به عنوان مشخصه های زندگی روزمره در دوران مدرن نگریست.

مراجع

- اشتراوس انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۱): مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای)، ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی، چاپ دوم
- باستانی، س. و صالحی، (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران. نشریه علوم اجتماعی، دوره ۳۰.
- بشیر، حسن و افراسیابی، محمد صادق (۱۳۹۱)، شبکه های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ ترین جامعه مجازی ایرانیان، تحقیقات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۷.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶) نظریه های جامعه شناسی، چاپ سیزدهم، تهران، سمت،
- حسین پور، جعفر و عرب مومنی، علی (۱۳۹۶)، تاثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر هویت نهاد خانواده، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- دوبوار، سیمون (۱۳۹۲)، جنس دوم، انتشارات آگاه، چاپ ششم.
- ذکایی، محم سعید و حسینی، محمد حسین (۱۳۹۴)، گونه شناسی کاربران رسانه های اجتماعی، راهبرد اجتماعی و فرهنگی، دوره ۵، ماهر ۱۷، صص ۳۷-۶۳.
- عبدالهیان، حمید؛ یحیایی، سبحان. (۱۳۹۰)، نشانه شناسی تصویرهایی از شیوه زندگی ایرانی؛ مطالعه «خودبازنمایی» های دیداری کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی یاهو 360، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ش ۱۲ (۱۵).
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴): عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه ای، مترجم: احد علیقلیان؛ مترجم: افشین خاکباز - طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۵): شبکه های خشم و امید: جنبش های اجتماعی در عصر اینترنت، مترجم: مجتبی قلی پور - نشر مرکز.
- کیان پور، مسعود و عدلی پور، صمد و کیخایی، آیدا (۱۳۹۲)، تبیین جامعه شناختی تأثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر هویت قومی کاربران ترک در ایران، جامعه شناسی کاربردی سال بیست و چهارم، شماره ۴، پیاپی ۵۲.
- محمدپور احمد (۱۳۹۲): روش تحقیق کیفی (ضد روش ۱)، انتشارات جامعه شناسان، چاپ دوم.
- محمدپور احمد: تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه ای)، انتشارات جامعه شناسان؛ چاپ اول ۱۳۹۳.
- محمدپور احمد، مهدی رضایی (۱۳۸۷): "درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه هورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه ای"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان.
- مقصودی، منیژه (۱۳۸۶)، انسان شناسی خانواده و خویشاوندی، تهران، آگه.
- نصیری اقدم، زهرا (۱۳۴)، بررسی تاثیرات منفی شبکه های اجتماعی، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲)، دگرگونی ساختار حوزه عمومی، مترجم جمال محمدی، نشر افکار.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۴)، نظریه کنش ارتباطی، مترجم کمال پولادی، نشر مرکز.
- هایم، مایکل (۱۳۹۰) متافیزیک واقعیت مجازی، ترجمه سروناز تربتی، تهران، انتشارات رخداد نو.

Millner, V. (2008), Internet Infidelity: a Case of Intimacy with Detachment, the Family Journal, 16, 78-82.

Bell, David (2010) Cyber culture Theorists: Manuel Castells and Donna Haraway. Routledge publication. Imprint of the Taylor & Francis Group.

Hindman, Matthew (2009), The Myth of Digital Democracy, (Princeton University Press).